

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی ابوطالبی

## الگوی فقه حکومتی با بحث‌های علمی و فقهی تحقق می‌یابد



به گزارش مرکز خبر و اطلاع رسانی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی ابوطالبی، عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره) در گفتگو با فقیس، سیر تاریخی فقه حکومتی را تبیین کرد. **آیا می‌توان با فقه حکومتی الگو سازی کرد که این الگوسازی برای کشورهای دیگر هم قابل استفاده باشد؟**

به نظر می‌رسد که می‌شود به شرطی که ما بعد از بحث‌های فقهی و علمی خودمان، مدل‌سازی کنیم. اگر ما بتوانیم مدل‌سازی و الگوسازی کنیم خیلی اوقات جواب می‌دهد. علتش هم این است که عموم مردم به تعبیر ما طلبه‌ها نسبت به خیلی از نظریات علمی لاشرط هستند. یعنی قیدی ندارند. اگر واقعا یک نظریه اسلامی فقهی اقتصادی مشکل اقتصادی غرب یا مشکل بانکداری در غرب را حل کند، آنها استفاده می‌کنند. چون فضای عمومی جامعه غرب برایش مهم این است که اقتصادش در این عالم سودآور باشد. بحرانش حل بشود. حالا این از اسلام بیاید. برایش مهم نیست، می‌پذیرد چون نگاه آنها نگاه کارکردی است. یعنی اگر بگویند فلان نظریه کارآمد است و حل می‌کند، چرا استفاده نکنند، استفاده می‌کنند. ولی لازم‌هاش این است که ما در حقیقت بتوانیم این‌ها را تبدیل به مدل کنیم و نمونه‌ها هم تا بحال اجمالا این اتفاق افتاده بنده دو سه مورد حداقل اتفاقی دیدم که در همین بحران اخیر اقتصادی آمریکا، بخصوص آن اوایل که بحث ورشکستگی بانک‌های آمریکایی بود، برخی از اقتصاددان‌های اروپایی تصریح کرده بودند که راه حل مشکل اقتصادی ما رو آوردن به اقتصاد اسلامی است. حالا چرا این حرف را زده بودند؟ چون معتقد بودند که عامل اصلی این شکست و بحران اقتصادی سیستم کلی ربوی بودن اقتصاد غرب و اقتصاد لیبرالی است. و خوب در نگاه اقتصاد اسلامی این نگاه ربوی نیست. کلیت این را آنها هم درک کرده بودند. منتها حالا اینکه خواهد او از این اقتصاد اسلامی برای حل مشکلات استفاده کند، شاید الان ما خیلی کم الگوهای داشته باشیم، داریم نه اینکه نداریم الان در همین حوزه بانکداری اسلامی ما خیلی از الگوها را داریم که حالا برخی از دوستانی که بنده می‌شناسم که این‌ها در حوزه اقتصاد اسلامی و بانکداری کار کرده‌اند، خودشان می‌گویند که ما در بعضی از همایش‌های بین‌المللی که می‌رویم، بعضی از مسائل همین بانکداری اسلامی و اقتصاد اسلامی را که طرح می‌کنیم، خیلی از این‌ها می‌گویند که در حقیقت نگاه اسلامی را ندیده‌اند، حالا چه شرقی و چه غربی‌اش خیلی برایشان تعجب‌آور است که شما این فرمول را از کجا پیدا کردید؟! ما سال‌هاست که دنبال حل این معضل هستیم. خوب می‌گویید این فرمولی است که در فقه ما آمده است. در نگاه‌های فقهی و اسلامی ما آمده است. ما چون خودمان درگیر با این معضلات نیستیم، قدر خیلی از این نظریات را نمی‌دانیم ولی اگر این‌ها بیاید تبدیل به مدل بشود و در آن فضا وارد شود مثلا در فضای بانکداری یک مدل ما مطرح کنیم، طبعا آن‌ها هم استفاده خواهند کرد. چرا نکنند؟ چون آنها دنبال این هستند که یک مدل کارآمد و مفید را داشته باشند. مهم این است که مدل اسلامی کنیم یعنی خود بحث‌های فقهی اولیه به‌تنهایی کافی نیست. این‌ها باید بیاید در مسائل عینی و تبدیل به مدل و نظریه بشود که بتواند آنجا هم مورد استفاده قرار بگیرد.

### آیا گذشته پژوهی، حال پژوهی و آینده پژوهی در فقه حکومتی لازم است؟ سیر تاریخی فقه حکومتی را بیان فرمایید؟

از لحاظ تاریخی وقتی می‌گوییم فقه حکومتی، یک پایه‌اش فقه است، یک پایه‌اش حکومت، رشد و توسعه و گسترش فقه حکومتی یک پایه‌اش این است که حکومت بخواهد فقهی باشد. حکومت باید همکاری لازم را با فقها داشته باشد یا حکومت درخواست مسائل فقهی را از فقها داشته باشد یا حکومت تمایل استفاده از فقه و فقها را داشته باشد. متأسفانه در طول تاریخ تا قبل از ظهور صفویه عموم حکومت‌هایی که حالا حداقل در کشور ما و در جهان اسلام بودند حکومت‌های اهل سنت بودند. و لذا فقه حکومتی شیعه خصوصا کمتر مجال بروز و ظهور را داشته است. حالا دوره‌های محدودی مثل آل‌بویه بوده که آنها هم کمتر به این فضا وارد شدند ولی از صفویه به بعد مجال فقه حکومتی خیلی بیشتر شد. حتی شاه‌اسماعیل صفوی وقتی که به‌عنوان اولین پادشاه صفوی به قدرت و حکومت رسید، یک تعبیری از او هست که می‌گوید: کتاب فقهی قواعد علامه حلی به‌عنوان منبع و معیار حکومت من است. یعنی در حکومت صفویه، شاه‌اسماعیل وقتی شیعه را مذهب رسمی اعلام می‌کند و می‌خواهد جامعه حکومت شیعی داشته باشد، تصریح می‌کند که این کتاب قواعد به‌عنوان یک کتاب فقهی، قانون مملکت من است. و از فقها در حکومت دعوت می‌کنند. در مسائل حکومتی مثل امروز که در رأس مسائل قضایی رسماً باید یک مجتهد قرار بگیرد، آن موقع هم این اتفاق افتاد. خیلی از مسائل حکومتی را به فقها واگذار کردند. خوب این‌ها زمینه‌ی توسعه و گسترش فقه حکومتی را فراهم کرد ولی چون کلیت حکومت زیر سایه فقه نبود، آن چنان که باید و شاید رشد نکرد. منتها در طول تاریخ حالا در دوره صفویه، قاجار در این دوره‌ها خصوصا ما بحث دخالت فقها در حکومت و مسائل حکومتی در برخی موارد و گاهی نگاه حکومتی به برخی موارد فقهی را داریم. منتها عرض می‌کنم چون کلیت حکومت باز در زیر سایه فقه و فقاهاست و فقه نیست، خوب این محدوده‌اش خیلی کم و محدود هست، ولی بوده یعنی این پیشینه وجود داشته است. اما بعد از انقلاب که کاملاً ساختار سیاسی ما فقهی شد و زیر سایه فقه قرار گرفت، طبعا این رشد و گسترش بیشتر شد.

فقه حکومتی خلاصه یک پیشینه تاریخی دارد خصوصا از زمانی که حکومت‌های شیعی آمدند سر کار این وجود دارد برای اینکه ما امروز بتوانیم به اصطلاح به این فقه بپردازیم و گسترش بدهیم و در آینده، نگاهی هم به قول شما به آینده داشته باشیم، لازم‌هاش این است که ببینیم با یک نگاهی به گذشته آسیب‌ها و نقایص و معضلاتی که فقه در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و حکومتی داشته است را بررسی کنیم. یعنی ببینیم این فقهی که تا حالا داشتیم و کم هم نبوده است، خیلی هم گسترده بوده است و بررسی کنیم که با نگاه حکومتی یا با نگاه مسائل حکومتی چه نقص‌هایی داشته است؟ این نقص‌ها را در حقیقت بشناسیم. و از آن طرف فضای زمان حال را بشناسیم یعنی اولاً تا به حال چه مشکلاتی وجود داشته و امروز اگر این فقه می‌خواهد پاسخگو بشود چه مشکلات و نقایصی دارد. در وضعیت حال از آن طرف باید یک نگاهی هم به آینده داشته باشیم که چه بسا ما اگر بخواهیم مدل‌هایی را به کشورهای دیگر بدهیم باز نیازمند یک طراحی خاص هست. به‌عقول شما باید به‌گونه‌ای از این فقه استفاده کنیم برای یک مدل‌هایی که نتوانیم شیعه بلکه اهل سنت هم بتوانند استفاده کنند. منتها اهل سنت، یک مسیحی هم از این الگوها استفاده بکنند. این دیگر نگاه‌های آینده‌نگرانه و آینده پژوهانه در بحث فقه حکومتی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نوروزی

## مردم‌سالاری دینی مدلی از حاکمیت مردم است که مشروعیت آن از جانب خداوند می‌باشد



همان فقه جواهری است اما تبیین مسائل و مسأله‌هایی با توجه به علم سیاست است. قاعدتا در علم سیاست با توجه به گرایش‌های مختلف، مسائل و موضوعات متعددی مطرح است. در عرصه‌ی داخلی و خارجی و با

رویکردهای مختلف فلسفی و جامعه‌شناختی می‌توان یک نظام به این مسائل داد. مسائل را جمع‌آوری و بعد از آن، این مسائل را به فقه عرضه کنیم، یا به فلسفه اسلامی عرضه کنیم که آن وقت خروجی آن به‌طور طبیعی می‌شود فقه سیاسی، می‌شود فلسفه سیاسی اسلام. طبیعی است که ما برای این‌ها که به این جمع‌بندی برسیم نخست باید به مسائل رشته آشنایی داشته باشیم که پیش دریافت چه مسائل و موضوعاتی مطرح است. از جهت دیگر قاعدتا باید آگاه به مبانی فقهی و اجتهاد بود و بعد بر اساس این امر به تحلیل و تولید دیدگاه‌ها و نظریه‌هایی در حوزه سیاست با نگاه اسلامی رفت البته اگر این امر در قالب فقه باشد در چارچوب فقه سیاسی و فقه‌الاحکومه است. بنابراین علم سیاست به ما کمک کند اگر در دهه نخست انقلاب رشته‌ای به نام علوم سیاسی در مجموعه‌هایی مثل مؤسسه امام خمینی(ره) رواج یافتند هدفش همین امر بود اما امروزه طبیعی است که با توجه به رشد روزافزون دانش سیاسی با نگاه اسلامی ما به‌طور طبیعی باید از دیدگاه‌های غربی عبور کرد، و به سمت طراحی دانش سیاسی بر مبنای اسلام در رویکردهای مختلف فلسفی، کلامی، فقهی، تفسیری و اخلاقی که قاعدتا

به گزارش مرکز خبر و اطلاع رسانی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نوروزی، عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی(ره)، در گفتگو با فقیس جایگاه علوم سیاسی در تحقق نظام اسلامی بر پایه فقه حکومتی، را تشریح کرد. **آیا رشته‌ی علوم سیاسی می‌تواند به نظام اسلامی که بر پایه‌ی فقه حکومتی است کمک کند و به کشورهای دیگر هم بیداری اسلامی در آنها صورت گرفته است الگویی ارائه کند؟**

رشته علوم سیاسی با توجه به ماهیت، خاستگاه و محتوای مباحث آن قاعدتا مبتنی بر سکولاریسم و اندیشه غرب که پس از رنسانس نشو و نما پیدا کرده می‌باشد و طبیعی است که نظریه‌های این رشته و سازوکارهایی که ارائه می‌کند قادر به حل مسأله و مضلات نظام جمهوری اسلامی ایران و دنیای معاصر منطقه که شاهد بیداری اسلامی هستند نیست. چون سنخ دیدگاه‌ها، نظریه‌ها، خواستگاه و مبنای آن همه برگرفته از اومانیسم و اندیشه غربی است. منتها اگر ما بخواهیم در حقیقت مباحث این رشته را به مباحث عمیق اسلامی و آنچه که امروزه تحت عنوان درس خارج مطرح است، پیوند بزنیم، قاعدتا مباحث رشته علوم سیاسی صرفا می‌تواند در زمینه شناخت مسأله به ما کمک کند یعنی به عبارت دیگر ما عناوین و موضوعات مسائلی را از این رشته می‌گیریم، به‌عبارت دیگر مسائل مشترکی که امروزه در دنیای سیاست مطرح است را ما از این دانش بگیریم، ما احل آن مسأله قاعدتا باید از همان مدتی تبعیت کند که سایر مسائل و احکام از آن تبعیت می‌کند که قاعدتا در رویکرد فقهی می‌شود فقه جواهری. یعنی مکاتب علم حل مسأله ما و روش‌شناسی ما

دانش‌هایی منبعث در اسلام است برویم و رشته‌هایی چون فقه سیاسی، کلام سیاسی، فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و تفسیر سیاسی را دایر کنیم. بدون تردید توسعه دانش بر مبنای اسلام در ساحت‌های مختلف علوم انسانی، می‌تواند نویدبخش احیای تمدن اسلامی باشد چون مهم‌ترین محور تمدن گسترش دانش است و این دانش اگر بخواهد مدرسان احیای تمدن اسلامی باشد باید بر خواستگاه دقیق و تفکر ناب اسلامی استوار باشد تفکری در گذر تاریخی تمدن اسلامی در حوزه فقه و فلسفه سیاسی که کلام و تفسیر متبلور است. بنابراین در حوزه مباحث درس خارج فقه سیاسی همان‌طور که اشاره کردم مباحث علم سیاست می‌تواند صرفا این مبادی تصوری و مفاهیم و مسأله‌ها را در اختیار مدرس قرار بدهد که آن مسأله‌ها را مورد تبیین فقهی قرار بدهد.

**حضرت امام(ره) در جمله‌ای فرموده‌اند: دموکراسی واقعی در اسلام است، در بحث نظام‌سازی با توجه به این که نوع نظام و حکومت ما جمهوری اسلامی بر مبنای مردم‌سالاری دینی است چه تفاوتی بین مردم‌سالاری دینی با دموکراسی‌های غربی وجود دارد؟**

به‌نظر می‌رسد جمله دقیق در فرمایشات حضرت امام(ره) آن است که: آنچه که امروزه تحت عنوان دموکراسی در غرب مطرح است، یک دروغ بزرگ است یعنی به‌هیچ‌وجه دموکراسی وجود خارجی ندارد و اگر دموکراسی بخواهد محقق شود آن

دموکراسی واقعی و مترقی در اسلام هست. البته این امر منوط به آن است که ما چگونه به دموکراسی نگاه کنیم. اگر مبنای دموکراسی اومانیسم و سکولاریسم باشد که امروزه غرب بر مبنای آن امور خود را تنظیم می‌کند، این خروجی این مبنای دموکراسی است. یعنی کسی که التزام به اومانیسم داشته باشد قاعدتا انسان منتهای توحید انسان منتهای ارزش‌های اخلاقی و بر اساس نگاه واقع‌بینانه اسلام انسانی درنده‌خاست جمع‌آوری ثروت و این‌که همه‌چیز را برای خودش بخواهد و این‌که همه انسان‌ها در استخدام او باشند به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی که انسان به‌طور طبیعی استخدام طلب است یک چنین موجودی نمی‌تواند دموکراتیک باشد. اصولا نمی‌تواند به فکر انسان‌های دیگری باشد. همواره دنبال مطامع خود است. البته گاه مطامع بلندمدت او اقتضا می‌کند که نیم‌نگاهی هم به مردم بکند اما در فرهنگ اسلامی مجموعه روایات و آیات ما راجع به مواسات، راجع به این‌که به تعبیر حضرت علی(ع) «أما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق» و ده‌ها نکته دیگری که در این زمینه است، این‌ها نشان‌دهنده این است که توجه به مردم به‌طور واقعی در فرهنگ اسلامی یافت شود. یعنی مردم‌مداری، مردم‌داری که در سیره علمای اسلام هم همیشه بوده و هست مضمون بسیاری از روایات آن است که برآوردن حاجت انسان مسلمان، انسانی که نیازمند است تا چه میزان اجر و ثواب دارد طبیعی است خروجی چنین اندیشه‌های مردم‌سالاری است. یعنی این‌که ما برویم به سمت مردم، اما همان‌طور که اشاره کردم از نگاه غربی دموکراسی انتزاع و استنتاج نمی‌شود، بنابراین در دموکراسی با توجه به میانی‌اش یک تناقض اساسی هست. عملکرد هم همین‌طور است.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن جعفری

## بررسی ماهیت فقه حکومتی از منظر دانش خط‌مشی‌گذاری



احتمال اول: روش یا نظرات فقهی مورد حمایت حکومت خاص احتمال دوم: احکام مربوط به حکومت در فقه موجود احتمال سوم: احکام مورد نیاز حکومت احتمال چهارم: رویکرد حکومتی به علم فقه احتمال پنجم: اندیشه سیاسی اسلام

در این میان احتمال چهارم دقیق‌تر است هرچند معنای سوم نیز قابل پیگیری است.

در توضیح لوازم معنای چهارم (رویکرد حکومتی به فقه) می‌توان گفت که رویکرد حکومتی به فقه، دارای موضوع متمایز یا منظر متمایز به موضوع است و با توجه به تغییر موضوع یا منظر موضوع، شیوه استنباط نیز تا حدی متغیر می‌شود و نوع نتایج نیز به همان نسبت تغییر موضوع و شیوه استنباط، متفاوت

به گزارش مرکز خبر و اطلاع رسانی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن جعفری، عضو شورای علمی گروه مدیریت، در نشست بررسی ماهیت فقه حکومتی از منظر دانش خط‌مشی‌گذاری عمومی، به توضیح جایگاه فقه حکومتی پرداخت.

**تبیین جایگاه فقه و فقه حکومتی** - فقه اسلامی یکی از مهم‌ترین و اصیل‌ترین علوم اسلامی است و سابقه شکل‌گیری آن به عصر آغازین پیدایش دین مقدس اسلام بازمی‌گردد.

علم فقه مهم‌ترین و گسترده‌ترین علم دینی و حوزوی در عصر حاضر است و موضوع آن بررسی حکم اعمال و رفتار مکلفین است.

بررسی مفهوم فقه حکومتی فقه در لغت به معنای علم به یک موضوع و فهم آن است و در اصطلاح اولیه علم به دین به جهت شرافت این علم می‌باشد.

اضافه قید حکومتی به فقه به عنوان یک علم در منظر اول احتمالاتی را ایجاد می‌کند

است. رابطه خط‌مشی عمومی با فقه حکومتی را با نگرشی بر تفاوت‌های آن این‌گونه می‌توان بیان کرد: تمرکز فقه حکومتی بر حکومت و تمرکز خط‌مشی عمومی بر عموم است و در فقه حکومتی از منظر حکومت به جامعه و فقه حکومت نتیجه نظری این‌گونه خواهد بود که شباهت‌های دو مفهوم بیشتر در جنبه بیرونی و ظاهری است، اما تفاوت‌ها عمدتا در جهت درونی و میانی می‌باشد.

- توجه فقه حکومتی به رشد و ارتقا، و توجه خط‌مشی عمومی به مسائل و مشکلات است.

- در خط‌مشی عمومی غایتی وراء جامعه نیست و اگر مشکلات آن حل شود، جامعه مطلوب محقق است، اما در فقه حکومتی هدف رشد و ارتقای جامعه بر اساس طرح الهی است.